



The Approach of Shi'ite and Sunni Exegetes to the Qur'anic Doubt of Jonah's Infallibility; Analysis, Critique, and Preference

Saeed Azizi* | Ali Rad**

Received: 2021/9/20 | Correction: 2022/1/18 | Accepted: 2021/4/17 | Published: 1400/07/25

Abstract

The appearance of some Qur'anic verses seems to indicate the impatience, disobedience, and even rebellion of Jonah to carry out his prophetic mission. The Prophet Muhammad (PBUH) hence was forbidden, according to the Qur'an, to follow him and consequently be like him as well. This has led him to be accused by some Muslim scholars of committing sin and thus lacking infallibility. But on the contrary, another group of both Shi'ite and Sunni exegetes and Hadith scholars have tried to provide a more appropriate interpretation of the suggested Qur'anic verses and the existing Islamic narrations, exposing the weakness of this notion. Based on the results of this article, Shi'ite exegetes have offered two solutions to answer the doubts concerning the infallibility of Jonah. The first one is that Jonah only committed lapse and not sin, and the second is that the event in question preceded his prophetic mission. Although a considerable number of Sunni commentators have stated the same two ways, some have also believed in Jonah's sin and rebellion against God. The present research however evaluates these three approaches and then proposes its own preferred theory. The evaluation and critique of the mentioned approaches indicate that the viewpoint of abandoning the best and first deed by Jonah is the only acceptable one, which seems more compatible with the Qur'anic verses and has been proposed by many exegetes as well.



Keywords: Jonah, infallibility, Qur'anic doubts, the exegetes' approach, theological exegesis, comparative exegesis

* Researcher, Center for the Development of Interdisciplinary Research in Islamic Thoughts and Health Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran | saeedazizi24@gmail.com

** Associate Professor, Department of Qur'anic Studies, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran | ali.rad@ut.ac.ir

■ Azizi, S; Rad, A. (2022) The Approach of Shi'ite and Sunni Exegetes to the Qur'anic Doubt of Jonah's Infallibility; Analysis, Critique, and Preference. *Comparative Interpretation Research*, 8 (15) 243-271. Doi: 10.22091/PTT.2022.5788.1801.



رویکرد مفسران فریقین و شبهه قرآنی عصمت یونس (ع): تحلیل، نقد و انتخاب

سعید عزیزی* | علی راد**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸ | تاریخ انتشار: ۲۰/۰۶/۱۴۰۱

چکیده

ظاهر برخی آیات قرآن کریم، به گونه‌ای است که دلالت بر بی‌صبری، سرپیچی و عصیان حضرت یونس (ع) در انجام دادن رسالت خویش داشته و پیامبر اکرم (ص) از همانندی با ایشان نهی گردیده است. این مسأله، موجب گشته تا آن حضرت در نگاه برخی مسلمانان، به معصیت و عدم عصمت متهم گردد. در مقابل، مفسران و حدیث- پژوهان فریقین، تلاش نمودند تا تفسیری درست از آیات قرآن و روایات موجود ارائه دهند و ضعف این پنداره را برملا سازند. بر پایه نتایج این پژوهش، مفسران امامیه، دو رویکرد در پاسخ به شبهات عصمت عرضه کرده‌اند: یکی ترک اولی و دیگری تلقی رخداد واقعه پیش از رسالت یونس (ع). تعداد زیادی از مفسران اهل سنت نیز این دو رویکرد را بیان نموده اما برخی رویکرد معصیت و عصیان یونس (ع) را برگزیده‌اند. این نوشتار رویکردهای سه‌گانه را ارزیابی کرده و در پایان نظریه منتخب را مطرح ساخته است. نتایج ارزیابی و نقد رویکردهای یادشده، حاکی از آن است که نظریه «ترک عمل افضل و اولی»، تنها رویکرد پذیرفتنی و سازگار با آیات قرآن بوده که اغلب مفسران فریقین مطرح ساخته‌اند.



واژگان کلیدی: حضرت یونس (ع)، عصمت، شبهات قرآنی، رویکرد مفسران، تفسیر کلامی، تفسیر تطبیقی.

* پژوهش‌گر مرکز پژوهش‌های بین‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت دانشگاه علوم پزشکی شیراز (نویسنده مسئول) | saeedazizi24@gmail.com

** دانشیار دانشگاه تهران- پردیس فارابی | ali.rad@ut.ac.ir

□ عزیزی، سعید؛ راد، علی. (۱۴۰۱). رویکرد مفسران فریقین و شبهه قرآنی عصمت یونس (ع): تحلیل، نقد و انتخاب،

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۸ (۱۵)، ۲۷۱-۲۴۳. Doi: 10.22091/PTT.2022.5788.1801

مقدمه

با دقت در آیات قرآن، درمی‌یابیم که بیان سرگذشت انبیای الهی، بخش زیادی از آیات این کتاب را به خود اختصاص داده است. یکی از پیامبران الهی که سرگذشت ایشان در چندین سوره آمده و یکی از سوره‌های وحی نیز به نام ایشان نام‌گذاری شده، یونس (ع) است. تأمل در آیاتی که در بیان سرگذشت ایشان نازل شده، سؤالات و شبهاتی را در ذهن مخاطب به وجود می‌آورد؛ مانند آیه ۷۸ سوره انبیاء: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، آیه ۴۸ و ۵۰ سوره قلم: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» و آیات ۱۴۰ تا ۱۴۲ سوره صافات: «إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ... فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ». بر اساس مفاد این آیات، شبهات ذیل مطرح می‌شود که با عصمت آن حضرت سازگار نیست:

۱. خشم و غضب حضرت یونس (ع) نسبت به پروردگار صورت پذیرفته است؟
 ۲. گریختن آن حضرت که با فعل «أَبَقَ» بدان اشاره شده، به معنای ترک انجام دادن مسئولیت و رسالت خویش نیست؟
 ۳. بر اساس عبارت «فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ»، آیا یونس (ع) می‌پنداشته خدا قدرت و تسلطی نسبت به او ندارد؟
 ۴. معرفی خویشتن در زمره ستم‌کاران به معنای ارتکاب ظلم و معصیت است؟
 ۵. نهی پیامبر خاتم (ص) از همانندی با یونس (ع)، دلالت بر تنقیص و عصیان ایشان ندارد؟
 ۶. «اجتباء» دوباره یونس (ع) پس از ترک قومش، دلالت بر ارتکاب گناه و سلب مقام نبوت از ایشان ندارد؟
 ۷. مگر یونس (ع) از صالحان نبوده که خداوند پس از پذیرش انابه او می‌فرماید: «فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ این مسأله بر عصیان یونس (ع) دلالت ندارد؟
- پیدایش چنین شبهاتی، امکان باورمندی مخاطب به ارتکاب معصیت و عدم عصمت یونس (ع) را تقویت می‌کند. لذا در راستای حل این پنداره، ضروری می‌نماید شبهات یادشده

را از منظر تفاسیر امامیه و اهل سنت بررسیید و دیدگاه مفسران فریقین را در این باره تحلیل نمود. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است تا این مسأله را با محوریت پرسش‌های ذیل به بحث نشاند:

۱. رویکرد مفسران فریقین در پاسخ به شبهات مذکور چیست؟
۲. اعتبار رویکردهای این مفسران چه میزان است؟
۳. وجوه اشتراک و افتراق این رویکردها کدام است؟
۴. رویکرد منتخب کدام است و ادله اعتبار آن چیست؟

شایان ذکر است تاکنون دو مقاله به بررسی شبهات عصمت یونس (ع) پرداخته‌اند. در مقاله نخست با عنوان «بررسی شبهات پیرامون عصمت حضرت یونس (ع)»، با رویکرد کلامی به پاره‌ای از شبهات عصمت پاسخ داده شده است (اکاتی و حیدری نسب، ۱۳۹۳ ش) و در مقاله دوم با عنوان «شبهات درباره حضرت یونس در تفاسیر فریقین؛ پاسخ‌ها و رویکردها»، به گونه‌شناسی شبهات به مآثور و اجتهادی پرداخته شده و سپس رویکرد مفسران در پاسخ‌دهی به این شبهات در قالب پنج مؤلفه روایی، عقلی، ادبی، تاریخی و اشاری تبیین شده است. (راد و کمالی زاده اردکانی، ۱۳۹۶ ش، ش ۳، ص ۱۲۷-۱۵۸)

وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین، در آن است که محور بررسی و نقد رویکرد مفسران در این نوشتار، تنها شبهات قرآنی مربوط به عصمت یونس (ع) است، نه دیگر شبهات قرآنی و نه شبهات روایی و مآثور. هم‌چنین از حیث بیان رویکردها و بررسی شبهات مربوط به عصمت نیز از جامعیت بیش‌تری برخوردار است. از سوی دیگر، نگاه مقاله به رویکرد مفسران صرفاً از زاویه تبیین، روش‌شناسی و گونه‌شناسی نخواهد بود، بلکه رویکرد مفسران به صورت تحلیلی بررسی شده و در ترازوی نقد و ارزیابی قرار گرفته است. هم‌چنین نگارندگان با رویکرد ترجیح و انتخاب نظریه معیار، به بررسی و تحلیل دیدگاه مفسران پرداخته‌اند.

رویکرد مفسران امامیه

با بررسی آرا و دیدگاه‌های مفسران امامیه درباره ماجرای یونس (ع)، چنین به دست می‌آید که در این باره به‌طور کلی سه رویکرد وجود دارد:

الف) ترک اولی

بر اساس این رویکرد، رفتار حضرت یونس (ع) گناه و مخالفت با فرمان الهی نیست؛ بلکه ترک فعل مندوب و مستحب است. مفسران شیعه در بیان این رویکرد و بیان مصداق «فعل افضل و اولی»، چندین نظر ابراز نموده‌اند:

۱. ترک قوم بدون اذن الهی

یونس (ع) پس از آن که قوم خویش را دعوت نمود و به وظیفه پیامبری خود عمل کرد، در پاسخ جز کفر، لجابت و نافرمانی از آنان چیزی ندید. آن حضرت پس از آن که وعده خدا به نزول عذاب را به آنان ابلاغ نمود، با خود پنداشت که وظیفه‌اش را انجام داده، از این رو از میانشان خارج شد؛ در حالی که بهتر بود صبر بیش‌تری می‌کرد و منتظر می‌ماند تا از فرمان پروردگار نسبت به ترک قوم یا عدم آن آگاه شود. در واقع ایشان آن صبر برتر و برجسته‌ای را که شایسته مقام رسالتش بود، به‌جا نیاورد. (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۷۱۵-۷۱۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۳۵۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، تفسیر سوره انبیاء، جلسه ۵۷)

۲. تعجیل در طلب عذاب

پس از آن که حضرت یونس (ع) قومش را دعوت نمود و آنان دعوت ایشان را اجابت نکردند، از ایمان آوردنشان ناامید گشت و برای آنان طلب عذاب کرد و از میانشان مهاجرت نمود؛ در حالی که بهتر و شایسته بود در تقاضای عذاب از خدا برای قومش تعجیل نمی‌کرد. (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۴، ص ۱۹۳)

۳. استعجال در دستیابی به نتایج رسالت

یونس (ع) در حالی غضبناک از میان قوم خویش خارج شد که می‌پنداشت بعد از انجام دادن رسالت خود، در تصمیم به ترک قوم، حق انتخاب دارد. علت این گمان، تجربه‌های متعدد آن حضرت در دعوت مردم به خدا و ایمان نیاوردن آنان و نزدیکی وقوع عذاب الهی بود. در واقع فضای حاکم بر جامعه و فشارهای فراوانی که در طول مدت رسالت بر ایشان تحمیل شده بود، موجب شد اندوه و خشم آن حضرت نسبت به کفر قومش شدت یابد و تصمیم ایشان در خروج از قوم زود هنگام شود؛ در حالی که شایسته بود در رسیدن به نتایج رسالت خویش عجله نمی‌کرد و برای مشاهده نتیجه آخرین تجربه خویش که همان وعده و تهدید به نزول عذاب بود، شکیبایی بیش‌تری مبذول می‌نمود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۵۸ و ج ۲۳، ص ۵۹-۶۰)

۴. تمثیل گناه

زمانی که یونس (ع) فهمید آن عذابی که خبر داده بود، از قومش برداشته شده، گویا متوجه نشد که قوم او ایمان آورده و توبه کرده‌اند، لذا دیگر به‌سوی ایشان بازنگشت و با خشم و ناراحتی آنان را رها نمود. در نتیجه حالش، شبیه حال کسی بود که از خدا قهر کرده، به کارهای او اعتراض نموده و خشم گرفته است و با خود می‌پنداشته که مولایش بر او دست نمی‌یابد و او می‌تواند با دور شدن، از چنگ وی بگریزد. به دیگر سخن، رفتار یونس این معنا را ممثّل می‌کرد که غیر از خدا، ملجأ دیگری هست که بتوان به او پناه برد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۴، ص ۳۱۴-۳۱۵ و ج ۱۷، ص ۱۶۶-۱۶۷)

۵. فقدان جامع‌نگری

یونس (ع) چنین می‌پنداشته که با انجام دادن رسالت خویش و ترک قومش، خداوند بر او سخت نمی‌گیرد و تقدیر تلخی را برایش رقم نمی‌زند، اما این گمان نیک را در مورد رفتار خدا با قوم خود نداشت که شاید خداوند بر آنان نیز سخت‌نگرفته و مشمول رحمت و مغفرت الهی قرار گیرند؛ در حالی که فرستاده الهی باید نگاهش جامعیت داشته باشد و سعه

رحمت الهی را هم برای خود و هم برای دیگران ببیند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، تفسیر سوره انبیاء، جلسه ۵۴)

۶. به کمال رساندن رسالت

یونس (ع) در ابلاغ رسالت خویش، وظیفه‌ای که بر دوش داشت را به‌جا آورد، اما در تکمیل آن کوتاهی کرد. آن حضرت چون می‌پنداشت رسالت خویش را به پایان رسانده، خود را از ادامه رسالت معذور دانست؛ درحالی که چنین ظن و گمانی شایسته او نبود و از این جهت دچار کوتاهی شد؛ البته چنین تقصیری، با جایگاه رسالت و عصمت ایشان منافات نداشت؛ زیرا او در ادای رسالت الهی خیانت و کوتاهی نکرد، بلکه در اکمال و به‌نهایت رساندن آن استقامت و پایداری به خرج نداد. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۹، ص ۳۴۸-۳۴۹)

ادله رویکرد

پیروان رویکرد ترک اولی، ادله دیدگاه خویش را چنین بیان نموده‌اند:

۱. با توجه به گزاره‌های متعدد قرآن کریم، از جمله: *وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ*، *وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ*، *أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ* و *أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ* (سوره انعام، آیات ۸۶-۹۰)، خداوند متعال حضرت یونس (ع) را در کنار دیگر پیامبران به برتری، برگزیدگی، هدایت یافتگی و بهره‌مندی از کتاب و حکمت و نبوت توصیف فرموده؛ از این رو، تصور ارتکاب معصیت برای یونس (ع) با اوصاف مذکور ناسازگار است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۴، ص ۳۱۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، تفسیر سوره انبیاء، جلسه ۵۴)

۲. یونس (ع) از جمله کسانی بود که خداوند دعایش را مستجاب نمود و دارای ایمانی عمیق به خدا بود؛ از این رو، فرض ارتکاب گناه با جایگاه ایمانی و معنوی ایشان منافات دارد. (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۵۷)

۳. پیامبران نیز برحسب بهره‌مندی از جایگاه ایمانی و قوای روحی، دارای نقاط ضعف انسانی بوده، درجاتشان در کمال و فضیلت متفاوت است. این نقاط ضعف در حدی نیست

که به عصمت ایشان خدشه‌ای وارد سازد و در دایره معصیت قرار گیرد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۳، ص ۵۹-۶۰)

۴. خشم بر خدا و گمان به قدرت نداشتن او بر بندگان، مساوی با کفر، مستلزم ضعف معرفت خداوند و جهل به قدرت، حکمت و عدالت اوست و ساحت پیامبران الهی، از این گونه اوصاف منزّه است. (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۹۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۴)

۵. هم‌خوانی این رویکرد با مجموع آیات، اکثر روایات و قرائن موجود. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۷، ص ۱۶۶-۱۶۷)

پاسخ به شبهات

در پاسخ به شبهات، موارد ذیل مطرح می‌گردد:

۱. غضب یونس (ع)، نسبت به قوم خود بوده، آن‌هم به علت ایمان نیاوردن آنان یا از باب تمثیل بیان شده است. (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۹۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ش، ج ۱۳، ص ۲۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ش، ج ۳، ص ۳۵۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۵۷-۲۵۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۵، ص ۲۹۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۹، ص ۳۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۴، ص ۳۱۴-۳۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، تفسیر سوره انبیاء، جلسه ۵۴)

۲. فعل «نقدر» در عبارت «فَظَنُّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ»، به این معناست که یونس (ع) پنداشت که خداوند بر او تنگ نمی‌گیرد؛ یا آن‌که به معنای تقدیر است و مقصود آن است که یونس (ع) گمان کرد خدا بر او امری را مقدر نمی‌کند و با او مسامحه و مساهله می‌کند. ممکن است از ماده «قدر» و به معنای «لن نقضي» باشد و منظور این است که "یونس (ع) گمان کرد ما نسبت به عقوبتش حکمی نمی‌کنیم؛" یا آن‌که عبارت «فَظَنُّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ»، درواقع استفهام به معنای تویخ است که همزه استفهام در آن حذف شده است. هم‌چنین احتمال دارد فعل «نقدر» از ماده قدرت باشد، اما این تعبیر به نحو تمثیل به‌کاربرده شده است؛ یا آن‌که «لَنْ نَقْدِرَ» به معنای «لن نعمل فیه قدرتنا» است؛ زیرا میان قدرت و فعل مناسبت وجود دارد. (طوسی،

بی تا، ج ۷، ص ۲۷۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۴؛ فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۵۸-۲۵۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۳۵۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۵، ص ۲۹۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۹، ص ۳۴۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۴، ص ۳۱۴-۳۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، تفسیر سوره انبیاء، جلسه ۵۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۹۶

۳. علت معرفی خویشتن در زمره ستم کاران، یا به معنای «إني كنت من الباخسين نفسي ثوابها» است؛ یا از باب خشوع و تواضع چنین گفته است؛ یا آن که مراد از «ظالمین»، انسان‌ها هستند و مقصود این است که "من از جمله کسانی هستم که ظلم بر ایشان رواست". هم چنین ممکن است ظلمی که یونس (ع) مرتکب شد، قصوری بوده که موجب شده رسالت وی به نهایت کمال نرسد، نه تقصیر و ارتکاب معصیت و یا آن که از باب تمثیل بیان شده است. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۲۷۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۳۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۹۶؛ فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۵۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۹، ص ۳۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۴، ص ۳۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، تفسیر سوره انبیاء، جلسه ۵۴)

۴. مقصود از «لباق» یونس (ع): چون یونس (ع) بدون اذن پروردگار از میان قوم خود هجرت نمود، خداوند از این واژه برای بیان عمل ایشان استفاده کرده که کاربردی بسیار نیکو و بلیغ است؛ یا مقصود آن است که یونس (ع) از غذایی که قرار بود بر قومش نازل شود، فرار نمود؛ یا از باب تمثیل بیان شده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۲۸۳؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۵۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۷۱۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۶، ص ۲۳۸؛ فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۹، ص ۲۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۷، ص ۱۶۳)

۵. علت نهی خداوند از همانندی پیامبر با یونس (ع): وجه شبهه، درخواست تعجیل در نزول عذاب، ضیق صدر و عجله کردن در خروج از قوم بدون اذن الهی است؛ یا آن که پیامبر (ص) از عجله در رسیدن به نتایج رسالت خویش و کمی صبر در امتداد تبلیغ رسالت نهی شده است؛ یا آن که نهی از فقدان صبر برتر و جامع‌نگری است. (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۵۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۹، ص ۳۶۸؛ فیض

کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۲۱۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۳۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۹، ص ۳۸۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۳، ص ۵۹-۶۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۷ ش، تفسیر سوره قلم، جلسه ۱۰)

۶. «اجتناء» یونس (ع)، به معنای «اختیار» است؛ یا مقصود بازگشت ولایت به ایشان است؛ یا آن‌که به معنای اثربخشی به نبوت یونس (ع) است. ممکن است اجتناء به این معنا باشد که خدا بخواهد بنده خود را مشمول رحمت و یژه خود قرار دهد، به گونه‌ای که خود خدا متولی امور او شده، وی را خاص و خالص برای خود گرداند. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۹۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۵۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۹، ص ۳۶۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۳، ص ۶۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۲۱۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۳۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۱، ص ۷۹ و ج ۱۴، ص ۳۱۲)

۷. مقصود از قرار دادن یونس (ع) در زمره صالحان: خداوند نام حضرت یونس را در زمره پیغمبران صالح نوشته و حکم به صلاح ایشان نموده است. یا منظور از "صالحین" در آیه، کسانی است که در صلاح به سر حد کمال رسیده‌اند. ممکن است منظور کسانی باشند که خداوند آنان را مختص به رحمت خویش و اهل کرامت خود قرار داده؛ یا مقصود این است که خداوند یونس (ع) را در روز قیامت، با پیامبران و در زمره آنان محشور می‌نماید؛ یا آن‌که مقصود صلاح در عمل نیست؛ بلکه مراد صلاح نفس در جوهره ذات است، به گونه‌ای که مستعد دریافت هرگونه کرامت الهی می‌گردد و این مقام بسیار والایی است که از آن رسول خدا (ص) و عترتش است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۹، ص ۳۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۲۱۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۳، ص ۶۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۷، ص ۳۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۵ و ج ۱۵، ص ۵۰۴)

ارزیابی و نقد

الف) ارزیابی رویکرد

۱. مبنای این رویکرد بر این نکته استوار است که رفتار حضرت یونس (ع) در محدوده ترک واجب و ارتکاب حرام نمی‌گنجد و تنها ترک عملی برتر و بهتر بوده است. با توجه به

تقریرهایی که در این رویکرد آورده شده است، شبهات عصمت برطرف می‌گردد؛ از این رو رهیافت‌های موجود در این رویکرد، در پاسخ‌گویی به شبهات عصمت موفق ظاهر شده‌اند.

۲. در خصوص آن بخش از تقریری که علامه طباطبایی از داستان بیان فرمودند که وقتی یونس (ع) باخبر شد آن عذابی که خبر داده بود از قوش برداشته شده، گویا متوجه نشد که قوم او ایمان آورده و توبه کرده‌اند، لذا دیگر به سوی ایشان برنگشت و درحالی که از آنان خشمگین و ناراحت بود، همچنان پیش رفت، چندین سؤال قابل طرح است:

۱-۲ چرا یونس (ع) از خدا علت رفع عذاب از قوش را نپرسید که موجب خلف وعده‌اش شده بود؟ درحالی که او پیامبر خدا بود و قطعاً می‌دانست هر حادثه و واقعه‌ای با اذن الهی رخ می‌دهد، به‌ویژه در جایی که خدا وعده عذاب داده و پیامبرش نیز آن وعده را به مردم هشدار داده است؟

۲-۲ با توجه به این که خدا به یونس عذاب قوش را وعده داده، آیا روا بود که پیامبر خویش را از تغییر در آن چه مقدر نموده بی‌خبر گذارد و موجب گرفتن چنین تصمیمی توسط پیامبر خویش گردد؟ این فرضیه با وعده‌های متعدد خداوند در قرآن کریم به هدایت و یاری مؤمنان و حراست از انبیای خویش سازگار است.

۳-۲ چرا یونس (ع) بعد از علم به رفع عذاب، از خدای متعال کسب تکلیف نکرد؟ آیا این نوع رفتار، با جایگاه پیامبری و دیگر اوصافی که برای این پیامبر بزرگ الهی در قرآن آمده سازگار است؟

با توجه به این که این بخش از تقریر، با تقریر دوم از رویکرد ترک اولی در اهل سنت شباهت دارد، محتمل است مبنای برداشت علامه، پاره‌ای از روایات مشترک فریقین بوده که در آن‌ها به چنین مطلبی اشاره گردیده است.

ب) نقد پاسخ‌ها

به نظر می‌رسد برخی از توجیهات مفسران، دارای ابهامات و اشکالاتی است؛ از جمله:

۱. کاربرد «لَنْ تَقْدِرَ» به معنای «لَنْ تَقْضِيَ»، چندان موجه نیست؛ زیرا چنین کاربردی نزد

عرب مرسوم و پسندیده نیست. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۴)

۲. کاربرد «لَنْ تَقْدِرَ» در معنای «لَنْ تَفْعَلَ»، چندان پذیرفتنی نیست؛ زیرا اصل اولیه در معنای کلمه، حقیقی بودن معنای آن است و مجاز نوعی خلاف اصل است. هم‌چنین می‌توان «لَنْ تَقْدِرَ» را بر معنای حقیقی خود مانند «تَضْيِيقُ» و «تَقْدِيرُ» حمل کرد و منعی در این باره وجود ندارد که لازم شود قائل به مجاز شویم.

۳. در تقدیر گرفتن همزه استفهام در عبارت «فَقَطَّرَ أَنْ لَنْ تَقْدِرَ» ضعیف است؛ زیرا حرف استفهام تنها در صورتی حذف می‌شود که در کلام جایگزینی چون «أَمْ» یا غیر آن برایش آورده شود. (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۷۴)

۴. برخی مفسران، «اجتباء» را به معنای «اختیار» دانسته‌اند. با توجه به این که اختیار در لغت، یعنی برگزیدن آن‌چه در او خیر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۰۱)، اگر مقصود این است که خدا به خاطر خیر و خوبی یونس (ع) او را برگزید، ممکن است سؤال شود: مگر قبل از ماجرای ابتلای یونس (ع)، چنین برگزیدگی حاصل نشده بود؟ اگر پاسخ مثبت باشد، تحصیل حاصل پیش می‌آید و اگر پاسخ منفی باشد، با واقعیت سازگار نیست؛ زیرا خداوند پیش‌تر یونس (ع) را برای رسالت خویش برگزیده بود؛ لذا به نظر می‌رسد معنای اجتباء، غیر از اختیار باشد و دیگر مفسران مانند علامه طباطبایی، فیض کاشانی و مغنیه به آن توجه داشته‌اند.

ب) رخداد واقعه پیش از رسالت یونس (ع)

بر اساس این رویکرد، حضرت یونس (ع) قبل از اشتغال به امر رسالت خویش و در یک رویداد دیگر، قوم خود را ترک نموده است. ابوالفتوح رازی این وجه را بیان کرده و آن را قابل اعتماد دانسته است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۱-۲۷۲)

بیان رویکرد

یونس (ع) و قومش در سرزمین فلسطین زندگی می‌کردند. یکی از پادشاهان دیگر ممالک به سرزمین آنان یورش برده و به نُه و نیم سبط از اسباط بنی اسرائیل حمله کرده و آنان را غارت نموده است. خداوند به یکی از پیامبرانش به نام شعیاء وحی می‌کند که نزد پادشاه رود و از او بخواهد یکی از پنج پیامبری را که در آن سرزمین بوده، به همراه بنی اسرائیل

به سوی کشور مهاجم بفرستد. پادشاه از شعیاء می پرسد که چه کسی شایستگی این کار را دارد و ایشان یونس (ع) را معرفی می کند. پس از طرح خواسته پادشاه به یونس (ع)، ایشان می پرسد: «آیا خدا مرا برای این کار تعیین کرده و نام مرا برده است؟» پادشاه پاسخ می دهد: خیر. یونس (ع) با اصرار پادشاه مخالفت می کند و درحالی که از پافشاری پادشاه و معرفی او به پادشاه برای جنگ خشمگین بوده، قومش را ترک می کند و ماجرای کشتی و دریا رخ می دهد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۱-۲۷۲)

ادله رویکرد

ادله رویکرد عبارتند از:

۱. استناد به روایت عوفی از ابن عباس. (همان، ص ۲۷۲)
۲. با پذیرش این روایت، عملکرد یونس (ع) پیش از اشتغال به امر رسالت است. در نتیجه شبهاتی که در تضاد با عصمت ایشان مطرح گشته، سالبه به انتفاء موضوع می گردد.

نقد رویکرد

با توجه به این که برخی مفسران اهل سنت نیز چنین رویکردی را در حل شبهات عصمت یونس (ع) مطرح کرده اند، ارزیابی و نقد این رویکرد را به آن بخش موکول می نماییم.

رویکرد مفسران اهل سنت

الف) ترک اولی

بسیاری از مفسران اهل سنت مانند مفسران امامیه، بر این باورند که حضرت یونس (ع) مرتکب گناه و معصیت نشده و رفتار ایشان درواقع ترک فعل اولی و ارجح است.

بیان رویکرد

دیدگاه های این دسته عبارتند از:

۱. ترک قوم بدون اذن الهی

توضیح این دیدگاه در تقریر اول رویکرد مفسران امامیه گذشت. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۳۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۸۰ و ج ۲۶، ص ۳۵۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۵۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۴۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۴۶۱؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶ ق، ج ۵، ص ۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ص ۷۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۷، ص ۹۵)

۲. خشم از پیامدهای تحقق نیافتن وعده عذاب

یونس (ع) پس از آن که قوم خویش را به رسالتش دعوت نمود و آنان به او ایمان نیاوردند، به ایشان وعده عذاب الهی داد و از ایشان کناره گرفت. زمانی که قوم یونس نشانه‌های عذاب را دیدند، ایمان آوردند و عذاب از ایشان مرتفع شد. یونس (ع) پس از شنیدن رفع عذاب و تحقق نیافتن وعده‌ای که به آنان داده بود، با حالت خشم آن سرزمین را ترک نمود. علت خروج یونس (ع) و خشم او از قوم خود یا به سبب آن بود که ایشان از ماندن در میان مردمی که تجربه دروغ و خلف وعده از او مشاهده کرده بودند، حیا نمود یا بدین علت بود که آن قوم عادت داشتند دروغ‌گو را به قتل رسانند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۷۹ و ج ۲۶، ص ۳۵۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱، ص ۱۸۱ و ج ۱۷، ص ۹۵)

ادله رویکرد

۱. غضب و خشم بر خدا، نشان دهنده جهل انسان به مالکیت خدا در امر ونهی است و کسی که به خدا جهل داشته باشد مؤمن نیست، چه رسد به این که «نبی الله» باشد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۷۹-۱۸۰)
۲. کسی که گمان کند خداوند عاجز و ناتوان است، کافر است و بی‌شک انتساب چنین گمانی برای هیچ مؤمنی جایز نیست؛ پس قطعاً نسبت دادن آن به انبیای الهی نیز جایز نخواهد بود. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۸۰)
۳. ترک دعوت مردم به سوی خدا و آیین حق، برای پیامبران جایز نیست؛ زیرا خداوند به آن فرمان داده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۶، ص ۳۵۶)

۴. با توجه به آیه *اللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَاتِهِ*، زمانی که خداوند کسی را برای رسالت خویش برمی‌گزیند، از او حمایت می‌کند و اجازه نمی‌دهد کاستی، شکاف و توقف در رسالت او ایجاد شود. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۳، ص ۸۸)

۵. بر اساس دو روایت نبوی «ما ينبغي لأحد أن يقول أنا خير من يونس بن متى» و «لا تفضّلوا بين الأنبياء»، پیامبران در اصل نبوت با یک دیگر یکسانند و تفاضل آنان در درجات نبوت است؛ از این رو، رفتار یونس (ع) گناه به شمار نمی‌آید و موجب سلب نبوت از ایشان نمی‌گردد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۳، ص ۸۷)

۶. منشأ پیدایش باور به خشم یونس از خدا پاره‌ای عقاید یهود است. (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ص ۷۹)

۷. پیدایش غضب در حضرت یونس (ع)، به جهت اهتمام ویژه و تعصب ایشان نسبت به آیین حق تعالی است. (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ص ۷۹)

۸. توصیف یونس (ع) به این که گمان کرد خدا بر او سخت نمی‌گیرد، نشان‌دهنده این است که او این گونه می‌پنداشته که مخیر است در میان قوم خود بماند یا خارج شود؛ از این رو آن حضرت اقدام به معصیت نکرده و بر طبق گمان خود عمل نموده است، اما صلاح در ماندن ایشان بود. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۸۰)

۹. اگر منظور یونس (ع) از توصیف خود به عنوان ظالم، گناه و معصیت باشد، با توجه به آیه *أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ* (سوره هود، آیه ۱۸)، لازمه آن مستحق لعن شدن نبی خداست، درحالی که هیچ مسلمانی چنین باوری ندارد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۸۱)

۱۰. «اباق» درجایی به کار می‌رود که در مخالفت با فرمان مولا و فرار از آن تعمد در کار باشد؛ درحالی که انتساب چنین رفتاری به پیامبران الهی جایز نیست. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۶، ص ۳۵۶)

پاسخ‌ها

بیش‌تر پاسخ‌هایی که مفسران اهل سنت با توجه به این رویکرد داده‌اند، با پاسخ‌های مفسران امامیه در بخش پیشین یکسان است، از این‌رو تنها به بیان وجوه غیر مشترک می‌پردازیم:

۱. اطلاق «اباق» به خروج یونس از قوم بدون اجازه خدا، از باب استعاره یا مجاز مرسل است. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۶۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۲، ص ۱۳۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۱۸)

۲. نهی از همانندی رسول خدا (ص) با یونس (ع)، نهی از ذوات نیست، بلکه نهی از حالت است؛ یعنی حال تو مانند حالت یونس نباشد که خشم کرد و در خروج از قومش شتاب نمود. (ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۲۴۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۹، ص ۹۷)

۳. اجتنای یونس (ع)، به معنای پذیرش توبه یونس (ع) و تقرب او به درگاه الهی است؛ یا به معنای اصطفا‌ی یونس با بازگشت وحی به اوست. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۹۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۹، ص ۹۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص ۴۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۲۳۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۲۴۹)

۴. قرار دادن یونس (ع) در زمره صالحان، به این معناست که خدا یونس (ع) را با بازگشت وحی و شفاعت به او از انبیای خود قرار داد؛ یا مراد این است که با دادن نیروی عصمت به یونس (ع) در ترک اولی، او را در صلاح و نیکی به کمال رسانید. یا منظور از "صالحین"، انبیای برتر و افضل هستند. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۹۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص ۴۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۲۳۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۹، ص ۱۰۰)

نقد و ارزیابی

الف) نقد رویکرد

بیان دوم که خشم یونس را ناشی از پیامدهای سوء تحقق نیافتن وعده عذاب دانسته، علاوه بر سؤالات مطرح‌شده درباره دیدگاه علامه طباطبائی، با اشکالات دیگری نیز مواجه است؛ از جمله:

۱. ترس یونس (ع) از عواقب احتمالی محقق نشدن وعده الهی و حیا از خلف وعده، درحالی که از اصل واقعه اطلاعی ندارد، ترس نابه‌جایی است و شایسته بود یونس (ع)، علت واقعه را از خدای متعال جويا می‌شد و نگرانی‌های خویش را مطرح می‌نمود.
۲. بر فرض پذیرش این بیان، شبهه جبارت و تنقیص در شجاعت یونس (ع) پیش می‌آید؛ درحالی که ساحت انبیا منزله از این اوصاف است.
۳. با توجه به علم و ایمان انبیا به قدرت مطلق بودن الهی و وعده خدا به محافظت از پیامبران خویش، ترس یونس (ع) از خطرهای احتمالی پذیرفتنی نیست.

ب) نقد در پاسخ‌ها

۱. تفسیر اجتناب به معنای اصطفا‌ی یونس با بازگشت وحی به او و فرستادنش به‌سوی قوم، درست نیست؛ زیرا اولاً دلیلی بر قطع وحی از یونس (ع) وجود ندارد و ثانیاً معنای اصطفاء با اجتناب متفاوت است. (نک. طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۴، ص ۲۲۲)
۲. عبارت «فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» نمی‌تواند به این معنا باشد که خدا یونس (ع) را از انبیای خود قرار داد و وحی و شفاعت را به او بازگرداند؛ زیرا اولاً یونس پیش‌تر به مقام نبوت رسیده بود و قرار دادن دوباره او در میان انبیا، تحصیل حاصل است و محال. فرض خلع نبوت از ایشان هم با توجه به ترک اولی بودن عمل یونس (ع) منتفی است. ثانیاً اصلاً دلیلی بر سلب وحی و مقام شفاعت از یونس (ع) وجود ندارد.

ب) عصیان یونس (ع)

از دیدگاه‌های برخی مفسران، چنین به دست می‌آید که رفتار حضرت یونس، درواقع نوعی عصیان و گناه به شمار می‌آید. شیخ طوسی می‌گوید:

«هر کس ارتکاب گناهان صغیره را بر انبیا جایز بدانند، درباره رفتار حضرت یونس معتقد است که وی گناه صغیره مرتکب شده است».

ایشان در ادامه، به عقیده حشویه در این باره نیز اشاره کرده، چنین می‌نگارد:

«اما ظلمی را که گناه کبیره به شمار آید، تنها گروه حشویه نادان که منزلت پیامبران و برگزیدگان الهی را نمی‌شناسند بر پیامبران جایز می‌دانند». (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۷۴)

البته برخی مفسران در این رویکرد، به ارتکاب گناه تصریح نکرده‌اند؛ اما توجه و تفسیرشان از داستان یونس (ع)، نشان می‌دهد که رفتار آن حضرت نوعی معصیت و گناه است. ابن جریر طبری و ابن عاشور چنین رویکردی دارند. شایان ذکر است که ابن عاشور در تفسیر آیات سرگذشت یونس در سوره انبیاء، به رویکرد «طرح اولی» پای بند است، اما در تفسیر سوره صافات، تقریر دوم از این رویکرد را عرضه کرده است. تقریرات در این رویکرد عبارتند از:

۱. خشم از خدا

به باور ابن جریر طبری، یونس (ع) پس از آن که از نیامدن عذاب اطلاع یافت، بدون آن که متوجه شود علت رفع عذاب چه بوده، نسبت به خداوند خشمگین شد و از آن سرزمین هجرت نمود، درحالی که با خود می‌پنداشت خدا بر او سخت نمی‌گیرد. علت خشم یونس از خداوند هم مواردی از قبیل کراهت و حیا از حضور در میان مردمی که تجربه خلف وعده او را دارند و عادت قومش به کشتن فرد دروغ‌گو بیان شده است (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۶۱-۶۲). بر اساس این تقریر، خشم یونس (ع) از خداوند، خطا و گناه کوچکی است که ایشان مرتکب شده است.

۲. امتناع از پذیرش رسالت

یونس (ع) یکی از انبیای بنی اسرائیل در سرزمین فلسطین بود. خداوند او را مأمور می‌کند به نینوا رفته، اسیران بنی اسرائیل را که در حمایت آشوریان بودند و بخشی از جمعیت آن شهر را در برمی‌گرفتند، از غضب الهی انذار دهد. انجام دادن چنین مأموریتی برای یونس (ع)، به سبب ترس از قدرت و شوکت آشوریان و تردید در شکیبایی خود بر آزار و شکنجه آنان، سنگین و گران آمد؛ از این رو، مسیر سفر خویش را تغییر داده، سوار بر کشتی می‌شود و ادامه ماجرا برای ایشان رخ می‌دهد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۳، ص ۸۲-۸۳). بر اساس این تقریر، یونس (ع) از پذیرش تکلیف الهی و ابلاغ رسالت خدا به مردم نینوا خودداری کرده و برای رهایی از این تکلیف، قصد سفر به دیار دیگری نموده؛ بدیهی است که امتناع ایشان از پذیرش فرمان الهی نوعی عصیان و گناه تلقی می‌شود.

ادله رویکرد

۱. چنین تفسیری از داستان، بیش‌ترین شباهت معنایی را با آیات قرآن دارد. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۶۲)
۲. استناد به برخی روایات. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۶۲)
۳. کسانی که غضب یونس (ع) را ناظر به قوم خویش دانسته، با چنین تأویلی اتهام بزرگ‌تری به پیامبر خدا وارد ساخته‌اند؛ زیرا خداوند یونس (ع) را امر به تبلیغ رسالت نموده و غضب از طرف او، به معنای رها کردن رسالت و مخالف با فرمان خدا در امر تبلیغ است. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۶۲)
۴. بیان عقوبت رفتار یونس (ع) در چند گزاره از آیات قرآن، نشان‌دهنده ارتکاب عصیان اوست؛ زیرا اگر یونس (ع) معصیتی مرتکب نشده بود، دلیلی بر بیان چنین عقوبتی نبود. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۶۲)
۵. بیش‌تر مفسران متقدم چون: ابن مسعود، ابن عباس، حسن، شعبی، سعید بن جبیر، وهب و ابن قتیبه، بر این باورند که غضب یونس نسبت به خدا بوده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۸۰)

نقد و ارزیابی رویکرد

۱. بسیاری از ادله مفسران فریقین در رویکرد ترک اولی، نشان‌دهنده تنزیه ساحت پیامبران الهی از ارتکاب گناه و معصیت است و انتساب عصیان به پیامبران، تالی تلو فاسد از قبیل اتهام به کفر، جهالت و ضعف ایمان، به همراه دارد.
۲. غضب نسبت به خدا، در واقع نشانه اعتراض به حکم اوست و با جایگاه رسالت و منزلت معنوی پیامبران منافات دارد.
۳. شباهت چنین تأویلی از واقعه با آیات قرآن، ادعایی صرف بیش نیست؛ زیرا توجیهات مفسران فریقین در رویکرد ترک اولی، با معانی آیات و جایگاه رسالت یونس (ع) سازگاری کامل دارد.

۴. ترک قوم به هیچ وجه نشانه ترک رسالت و امتناع از دعوت مردم و تبلیغ دین خدا نیست؛ زیرا یونس (ع) با اطلاع از وعده عذاب الهی و سنت الهی در نجات مؤمنان هنگام عذاب، پنداشت که امر رسالت به پایان رسیده و می‌تواند قومش را ترک کند، گرچه بهتر بود صبر بیش‌تری می‌کرد.

۵. استناد به روایات نیز مخدوش است؛ زیرا روایات مربوط به داستان یونس (ع)، دارای تعارضات آشکار هستند و قابل جمع نیستند و چنان‌که آلوسی نیز گفته بود، برخی از آن‌ها از باورهای یهود نشأت می‌گیرند و اتهام اسرائیلی بودن آن‌ها بالاست.

۶. علت خشم یونس (ع)، اصرار مردم بر کفر و نپذیرفتن رسالت بود و غضب ایشان برای خدا و در راه خدا بود، نه ناشی از کدورت فردی و احساسات و هیجانات شخصی.

۷. تلازمی میان عقوبت و تنبیه یونس (ع) و گناه کار بودن ایشان نیست. تنبیه و عقوبتی که خدا برای رفتار انسان‌ها مقدر می‌کند، با توجه به سطح ایمان و منزلت معنوی ایشان است. گاه ترک فعل افضل توسط اولیای الهی، نزد خدا گران آمده، مجازات الهی را به همراه خواهد داشت؛ چنان‌که معروف است: «حسنات الابرار سیئات المقربین». (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص ۶۱۷)

۸. استناد به قول مفسران نیز چندان اعتبار ندارد؛ زیرا در مقابل، گروه دیگری از مفسران و محدثان متقدم، روایات دال بر عصمت را گزارش نموده، عصمت یونس (ع) را باور دارند. هم‌چنین قول مفسران متقدم حجیت نداشته، تنها کارکرد تأییدی دارد نه استنادی.

ج) رخداد واقعه پیش از رسالت یونس (ع)

در این رویکرد نیز مانند رویکرد سوم امامیه، مفسران ماجرای پیش‌آمده برای یونس (ع) را پیش از مأموریت ایشان به ابلاغ رسالت می‌دانند.

تقریر اول

این تقریر با تقریری که ابوالفتح رازی در رویکرد دوم مفسران امامیه بر اساس روایت ابن عباس نقل کرده یکسان است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۷۸-۱۷۹)

تقریر دوم

جبرئیل نزد حضرت یونس (ع) آمده، او را مأمور به انداز مردم نینوا از عذابی قریب الوقوع می‌کند و آن حضرت از جبرئیل درخواست مهلت کرده تا مرکبی تهیه نماید. جبرئیل به سبب تنگی وقت، با درخواست او مخالفت می‌کند. یونس (ع) تقاضای مهلت برای تهیه کفش می‌کند و باز با مخالفت جبرئیل مواجه می‌شود؛ از این رو، خشمگین شده، به سمت کشتی می‌رود و ماجرای حبس در شکم ماهی رخ می‌دهد. این دیدگاه منسوب به حسن بصری و شهر بن حوشب است. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۶۲ و ۶۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۷۹)

ادله رویکرد

۱. استناد به چند روایتی که در این باره گزارش شده و این سخن ابن عباس: «کانت رسالة یونس علیه السلام بعد ما نبذه الحوت». (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۶، ص ۳۵۸)
۲. استناد به آیات ۱۴۵ تا ۱۴۷ سوره صافات که خداوند تصریح کرده که بعد از ابتلای یونس (ع)، او را به عنوان رسول به سوی مردم فرستاده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۶، ص ۳۵۸)
۳. دو واژه «اجتباء» و «جعل» در آیه سوره قلم، دلالت بر این دارد که یونس (ع) قبل از ماجرای ابتلا، به مقام رسالت نرسیده بود و بعد از آن خداوند ایشان را در زمره برگزیدگان و صالحان قرار می‌دهد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص ۶۱۷)

ارزیابی و نقد

۱. ظاهراً خلط و خبطی در این رویکرد صورت گرفته است؛ زیرا با توجه به مفاد دو روایت مورد استناد، یونس قبل از خشمگین شدن و خروج از آن سرزمین، به مقام پیامبری مبعوث شده بود؛ به این دلیل که در تقریر اول، تصریح شده که در آن زمان پنج پیامبر در فلسطین زندگی می‌کردند که یونس (ع) یکی از آنان بود. در تقریر دوم هم نزول جبرئیل بر یونس (ع) و مأمور کردن ایشان برای انداز مردم، دلالت بر نبوت ایشان دارد؛ در نتیجه، این رویکرد از اساس مخدوش می‌گردد و شبهات عصمت به قوت خود پابرجا می‌ماند.

۲. روایات مورد استناد با اشکال تفرّد در نقل مواجهه است؛ زیرا تنها از ابن عباس گزارش شده است.

۳. دو گزارش از سه روایت ابن عباس از لحاظ سندی با مشکل ارسال مواجه هستند. (نک. طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۶۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۷۸-۱۷۹)

۴. این روایات با احادیث فراوانی که در میراث روایی فریقین گزارش شده، سازگار نیست؛ از این رو می‌توان آن‌ها را از روایات شاذ تلقی نمود. افزون بر این که از ابن عباس روایت دیگری نیز نقل گردیده که دال بر وقوع خروج بعد از ابلاغ رسالت است. (نک. طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷، ص ۶۱)

۵. محتوای روایات مذکور نیز چندان اعتباری ندارند و با اشکالات متعددی مواجه هستند؛ از جمله:

۵-۱- بر اساس تقریر اول، پذیرش این مسأله که یونس (ع) با آن که می‌دانست آزادی اسیران بنی اسرائیل خواست خداوند است از قبول آن امتناع کرد، موجب طرح شبهه راحت‌طلبی، ترس و بی‌توجهی به سعادت و هدایت دیگران می‌گردد.

۵-۲- بر اساس تقریر دوم، آیا امکان نداشت جبرئیل اندکی زودتر پیام خدا را به یونس می‌رساند تا این گونه ایشان زیر فشار قرار نگیرد؟ هم‌چنین با منطق قرآنی چندان سازگار نیست که جبرئیل، از پیامبر الهی درخواست کند قومی را انذار دهد که عذابی قریب‌الوقوع در انتظارشان است؛ درحالی که آن پیامبر پیش از آن، مأمور به ابلاغ رسالت الهی به ایشان نبوده است. اگر پیامبری تا پیش از آن در میانشان نبوده که اساساً طبق قاعده قرآنی «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا» (سوره اسراء، آیه ۱۵) نباید عذاب الهی ایشان را تهدید کند و اگر پیامبری در میان آنان بوده و رسالت خویش را ابلاغ نموده، طبق سنت الهی در مورد سایر انبیاء، وعده به نزول عذاب هم توسط آن پیامبر به مردم داده می‌شود و دیگر نیازی به فرستادن پیامبری دیگر نیست.

۶. استناد به واژه «ارسلناه» در آیه ۱۴۷ سوره صافات که به‌عنوان دلیل دوم آمده، پذیرفتنی نیست؛ زیرا هیچ دلیلی بر این نیست که مراد از ارسال در این آیه شریفه مبعوث

شدن به رسالت است؛ بلکه با توجه به ترتیب حوادث در آیات سوره صافات، سیاق آیات بر این نکته دلالت دارند که ارسال دوم از باب هدایت بوده، چنان که در آیه بعد چنین آمده: ﴿فَأَمَّنُوا فَمَرَّعَتْهُمْ إِيَّائِي حِينَ﴾ (سوره صافات، آیه ۱۴۸)؛ یعنی نتیجه ارسال برای هدایت محقق شد و قوم یونس ایمان آوردند.

۷. دلیلی بر انحصار معنای دو واژه «اجتباء» و «جعل» در رسیدن به مقام نبوت و رسالت وجود ندارد و مفسران وجوه دیگری را در تبیین مفاد آیه بیان کرده‌اند.

۸. بیش‌تر مفسران امامیه و اهل سنت، این رویکرد را چندان متقن و مستند نمی‌دانند و برخی تنها در حد یک احتمال مرجوح برای آن ارزش‌گذاری کرده‌اند. فخر رازی در این باره می‌نویسد:

«أكثر العلماء على القول بأن قصة الحوت و ذهاب يونس عليه السلام مغاضبا بعد أن أرسله الله تعالى إليهم». (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۷۹)

نظریه منتخب

با توجه به مجموع نکاتی که در تحلیل رویکردهای مفسران فریقین عرضه شد، نگارندگان بر این باورند که تنها رویکرد "ترک اولی" پذیرفتنی است و با آیات قرآن سازگاری دارد و می‌توان مجموع تقریرهایی را که در این رویکرد ابراز شد، در یک تقریر و نظریه واحد به شرح ذیل جمع نمود. هم‌چنین ادله انتخاب رویکرد سوم و ابراز نظریه معیار را می‌توان عدم تعارض و سازگاری با آیات قرآن کریم، هم‌خوانی با روایات متعدد میراث حدیثی فریقین و موافقت با رویکرد بیش‌تر مفسران فریقین دانست.

حضرت یونس (ع) پس از آن که در انجام دادن مسئولیت خویش تمامی تلاش خود را مبذول داشت و با جان و دل به راهنمایی مردم پرداخت، در پاسخ، جز مخالفت، لجابت و کفر از قوم خویش پاسخی مشاهده نمود؛ در نتیجه، امید آن حضرت از ایمان مردم قطع گردید و از خدای متعال تقاضای نزول عذاب کرد. با استجاب دعای یونس (ع) و وعده خداوند به نزول عذاب، آن حضرت قوم خویش را از آن آگاه می‌کند و با این گمان که رسالت خویش را به پایان رسانده و منعی برای ترک مردم از سوی خدا ندارد، با حالت خشم

و ناراحتی از کفر مردم و بی‌نتیجه ماندن رسالتش، بدون اذن پروردگار از میان آنان می‌رود و چنین باور دارد که خدا بر او سخت نمی‌گیرد؛ درحالی‌که شایسته بود اولاً تا زمانی که خداوند اعلام نزول عذاب نکرده، امیدش از مردم قطع نمی‌شد و درخواست عذاب نمی‌کرد. ثانیاً پس از استجابت دعا و مقرر شدن نزول عذاب و اعلام آن به مردم، بیش‌تر صبر می‌کرد و در واپسین لحظات، نتیجه تجربه پایانی خود را که وعده به عذاب بود، مشاهده می‌نمود.

ثالثاً منتظر می‌ماند تا خدا به خروجش از میان قوم فرمان دهد و در این مسأله شکیبایی بیش‌تری مبذول می‌نمود.

رابعاً هنگام خروج، انتظار می‌رفت همان‌طور که به سعه رحمت خدا و سخت‌گیری نکردن خدا بر خود خوش‌بین بود، در مورد رفتار خدا با قومش نیز این گمان نیک را می‌داشت.

بر این اساس، عملکرد یونس (ع) در گام پایانی رسالت خویش، آن‌گونه که لایق یک پیامبر و الامقام بود، ظاهر نگشت و به دیگر سخن، صبر برتر از ایشان مشاهده نشد؛ به همین علت، رفتار ایشان در ترک قومش مانند رفتار کسی بوده که از مولای خویش قهر نماید و گمان کند که می‌تواند از دست او بگریزد. از این رو خداوند ایشان را در شکم ماهی محبوس کرد تا آن حضرت به خطای خویش آگاه گردد و با پروردگار خود مناجاتی خالصانه داشته باشد و شایستگی قرار گرفتن در مقام والای صالحان را کسب نماید که بهره‌مندان ویژه از ولایت الهی هستند.

شایان ذکر است در میراث حدیثی شیعه نیز روایات متعددی از ائمه علیهم‌السلام گزارش شده که نشان می‌دهد ایشان، در صدد پاسخ‌گویی به شبهات منافی با عصمت انبیا بوده‌اند و پنداره ناروای ارتکاب عصیان را از ساحت مقدس ایشان مبرا دانسته و رفتار آنان را نوعی ترک ارجح و اولی قلمداد کرده‌اند؛ برای نمونه، گزارش شده است که مأمون، امام رضا (ع) را با گروهی از دانشمندان ادیان مختلف در مجلسی جمع کرده بود. یکی از حاضران در جلسه از آن حضرت پرسید: «أَتَقُولُ بِعِصْمَةِ الْأَنْبِيَاءِ». ایشان در پاسخ، باورمندی خویش به

عصمت پیامبران را تایید کردند و با ابراز فهمی درست از آیات قرآن، شبهات منافی با عصمت آنان را پاسخ دادند. (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش، ص ۹۰)

در روایت دیگری از آن حضرت چنین آمده است که علت آن که یونس (ع) در شکم ماهی ظلم را به خویشتن نسبت می‌دهد، ترک چنین عبادت خالصانه‌ای بوده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۲۰۱)

امام صادق (ع) نیز علت آن که خدا یونس را از ایمان قومش آگاه ننمود، تحقق عبادت خالصانه ایشان در شکم ماهی و استحقاق پاداش و کرامت الهی بیان فرموده است. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۷۷)

با توجه به نکات بیان شده می‌توان چنین گفت: گرچه ظاهر برخی آیات قرآن در بدو نظر، به نحوی عصیان یونس (ع) را به ذهن القا می‌کنند، با ژرف‌اندیشی در قرآن، بهره‌مندی از روایات ائمه علیهم‌السلام، مدد جستن از قواعد و اصول قرآنی و بررسی دیدگاه بیش‌تر مفسران فریقین، روشن می‌شود که ساحت آن حضرت از ارتکاب گناه و معصیت کاملاً پاک و مبرا بوده است.

نتیجه

با بررسی آراء تفسیری مفسران فریقین در آیات بیان‌گر سرگذشت یونس (ع)، چنین به دست آمد که مفسران امامیه، دو رویکرد را در حل شبهات قرآنی عصمت یونس (ع) انتخاب نموده‌اند. رویکرد اول که رویکرد غالب است، رفتار یونس (ع) را ترک اولی قلمداد نموده و ساحت ایشان را از ارتکاب گناه به دور دانسته است. مفسران در این رویکرد، شش تقریر در قالب نظریه‌های «ترک اولی»، «ترک قوم بدون اذن الهی»، «تعجیل در طلب عذاب»، «استعجال در دستیابی به نتایج رسالت»، «تمثیل گناه»، «فقدان جامع‌نگری» و «به کمال نرساندن رسالت» ابراز کردند. در رویکرد دوم، ماجرای خروج از قوم و ابتلای یونس (ع)، مربوط به پیش از رسالت ایشان دانسته شده است که البته این رویکرد از قوت و اعتبار چندانی برخوردار نیست. عموم مفسران اهل سنت نیز مانند امامیه، دو رویکرد ترک اولی و تلقی رخداده واقع پیش از رسالت را بیان کرده‌اند؛ اما دسته محدودی از آنان، قائل به عصیان یونس

(ع) و ارتکاب گناه شده‌اند. با بررسی ادله هر رویکرد و ارزیابی آن‌ها، چنین به دست آمد که تنها رویکرد ترک اولی، پذیرفتنی و معتبر است و توانایی پاسخ‌گویی به تمام شبهات مطرح را دارد. در پایان تلاش شد با تجميع اکثر قریب به اتفاق تقریرات این رویکرد، نظریه منتخب ابراز گردد.



منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ ش)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ ش)، *علل الشرایع*، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ش)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق)، *التحریر و التئیر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دارالفکر.
- اکاتی، مرضیه و علیرضا حیدری نسب (۱۳۹۳ ش)، *بررسی شبهات پیرامون عصمت حضرت یونس (ع)*، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، قم: انجمن علمی پدافند غیرعامل ایران، شرکت پنام خط نوین.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق)، *الکشف و البیان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ش)، *بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء*، تفسیر سوره انبیاء و صفات، <http://portal.esra.ir>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ ش)، *پایگاه اطلاع‌رسانی اسراء*، تفسیر سوره قلم، <http://javadi.esra.ir>
- راد، علی، کمالی زاده و حسین اردکانی (۱۳۹۶ ش)، «شبهات درباره حضرت یونس در تفاسیر فریقین؛ پاسخ‌ها و رویکردها»، *مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی*، سال دوم، شماره ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالشامیه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹ م)، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه لیت الله مرعشی نجفی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، چاپ دوم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ ش)، *المیزان فی التفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی التفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، چاپ دوم، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.
فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات الصدر.
مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق)، *التفسیر الکاشف*، صدقی محمد جمیل، قم: دارالکتاب الإسلامی.
نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ ق)، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

Bibliography

The Holy Qur'an;

Abū-Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf (1999), *al-Baḥr al-Muḥīṭ fī al-Tafsīr*, Beirut: Dār al-Fikr.

Abul-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn b. 'Alī (1986), *Rawḍ ul-Jinān wa Rūḥ-ul-Janān fī Tafsīr-il-Qur'ān*, edited by Muḥammad-Ja'far Yāḥaqqī & Muḥammad-Mahdī Nāṣiḥ. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī.

Akātī, Marḍīyya and 'Alī-Riḍā Ḥaydarīnasab (2014), "Barrasī-i Shubahāt Pīrāmūn-i 'Iṣmat-i Ḥadrat-i Yūnus (PBUH)" in: *The First National Conference for Religious Thinking and Research*, Qum: Anjuman-i 'Ilmī-i Padāfand-i Ghayr-i 'Āmili Irān.

Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abdullāh (1994), *Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Aẓīm*, edited by 'Alī 'Abdul-Bārī 'Aḥīyya, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya.

Bayḍāwī, 'Abdullāh b. 'Umar (1997), *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl*, edited by Muḥammad 'Abdul-Raḥmān al-Mar'ashlī, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.

Faḍlullāh, Muḥammad-Ḥusayn (1998), *Tafsīr min Waḥy al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Milāk.

Fakhr-al-Dīn Rāzī, Muḥammad b. 'Umar (1999), *Mafāṭīḥ al-Ghayb*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.

Fayḍ-Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā (1994), *Al-Aṣfā fī Tafsīr al-Qur'ān*, Tehran: Ṣadr.

Ibn 'Āshūr, Muḥammad b. Ṭāhir (n.d), *al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*, Beirut: Mu'assasa al-Tārīkh al-'Arabī.

Ibn Babiwayh, Muḥammad b. 'Alī (1997), *al-Amālī*, Tehran: Kitābchī.

Ibn Babiwayh, Muḥammad b. 'Alī (2006), *'Ilal al-Sharā'i*, Qum: Dāvarī.

Ibn Babiwayh, Muḥammad b. 'Alī (1999), *'Uyūn Akhbār al-Riḍā*, Qum: Jahān.

Jawādī Āmulī, 'Abdullāh (2018), *Tafsīr Sura al-Anbīā' wa al-Ṣāffāt*, available in: <http://portal.esra.ir>

Jawādī Āmulī, 'Abdullāh (2018), *Tafsīr Sura al-Qalam*, available in: <http://javadi.esra.ir>

- Kamālīzādī Ardakānī, Ḥusayn and ‘Alī Rād (2017), “Shubahāt darbāri-yi Ḥaḍrat-i Yūnus (PBUH) dar Tafāsīr-i Farīqayn; Pāsukh-hā va Rūykard-hā” in: *Muṭālī‘āt-i Taḥqīq-i Qur‘ānpazhūhī*, vol. 2, no. 3.
- Mughniya, Muḥammad-Jawād (2003), *Tafsīr al-Kāshif*, Qum: Dār al-Kutub al-Islāmī.
- Qummī Nayshābūrī, Ḥasan b. Muḥammad (1995), *Gharā‘ib al-Qur‘ān wa Raghā‘ib al-Furqān*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusain b. Muḥammad (1995), *al-Mufradāt fī Gharīb Alfāz al-Qur‘ān*, Beirut: al-Dār al-Shāmīyya.
- Ṣādiqī Tihirānī, Muḥammad (1998), *al-Furqān fī Tafsīr al-Qur‘ān*, Qum: Farhang-i Islāmī.
- Suyūṭī, ‘Abdul-Raḥmān b. Abī-Bakr (1984), *al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Manthūr*, Qum: Kitābkhāni-yi Āyatullāh Mar‘ashī-Najafī.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr (1991), *Jāmi‘ al-Bayān ‘an Ta’wīl Āy al-Qur‘ān*, Beirut: Dār al-Ma‘rifa.
- Ṭabāṭabā‘ī, Muḥammad-Ḥusayn (1995), *al-Mizān fī Tafsīr al-Qur‘ān*, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi‘a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi ‘Ilmiyyah-yi Qum.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan (1994), *Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur‘ān*, edited by Sayyid Faḍlullāh Ṭabāṭabā‘ī Yazdī and Sayyid Hāshim Rasūlī-Maḥallātī, Tehran: Nāṣir Khusruw.
- Tha‘labī Nayshābūrī, Aḥmad b. Ibrāhīm (1997), *al-Kashf wa al-Bayān ‘an Tafsīr al-Qur‘ān*, Beirut: Dār Ihya‘ al-Turāth al-‘Arabī.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. ‘Alī (1999), *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur‘ān*, Beirut: Dār Ihya‘ al-Turāth al-‘Arabī.
- Zamakhsharī, Maḥmūd (1987), *al-Kashshāf ‘an Ḥaqā‘iq al-Ta’wīl wa Ghawāmiḍ al-Tanzīl*, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی